

نتانیاهو با چه هدفی به باکو سفر می‌کند؟

حاکم شدن مداخلات و تساهل بر رفتار سیاسی دستگاه دیپلماسی ایران طی سال‌های اخیر، سوء استفاده رژیم صهیونیستی و عوامل محلی آن از این وضعیت را در جمهوری آذربایجان نیز در پی داشته است.

آران نیوز: رسانه‌های رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان طی چند ماه گذشته بطور پیگیر و مستمر، خبررسانی و تبلیغ سفر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو را در دستور کار خود داشته‌اند. در تداوم این طرح، بنیامین نتانیاهو خود نیز در هیات دولت رژیم صهیونیستی اعلام کرد که قصد دارد به جمهوری آذربایجان سفر کند و به این ترتیب، حجم خبررسانی درباره سفر رییس صهیونیست‌ها به باکو طی دو هفته اخیر بطور مضاعفی در رسانه‌های باکو و رژیم صهیونیستی گسترش یافت. بنابراین، می‌توان گفت که رژیم صهیونیستی جدول کاری منظمی را برای انتشار پیش‌خبرهای سفر نتانیاهو به باکو تدارک دیده بود و این هدف را از پوشش گسترده خبری این سفر دنبال می‌کند که آن را به عنوان رویدادی بسیار مهم در جمهوری آذربایجان جلوه دهد که با رویه پنهان کاری و دزدانه عمل کردن همیشگی این رژیم در قفقاز منافات دارد.

اما، صرف نظر از جنبه‌های تبلیغاتی و سیاسی سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو، این سفر نتایج عملی مهمی را در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی-استراتژیک، نظامی امنیتی، اقتصادی-انرژی، اهداف منطقه‌ای جهانی هدف گذاری کرده است:

- هدف فرهنگی؛ خوشه چینی برنامه‌های «سال چندفرهنگ‌گرایی» در جمهوری آذربایجان: رصد اخبار و تحولات سفرهای نمایندگان رژیم صهیونیستی و جریان صهیونیسم به جمهوری آذربایجان و اقدامات و همکاری‌های دو طرف طی سال 2016 به خوبی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در نظر دارد این نظریه القائی خود را که «جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان شیعه، پس از اسرائیل، بهترین شرایط را برای یهودیان فراهم کرده است و این نیز نشان‌دهنده توانایی همزیستی مسلمانان با صهیونیست‌ها است»، به اثبات برساند. اعلام سال چندفرهنگ‌گرایی در جمهوری آذربایجان و تدارک برنامه‌های گسترده برای تجلیل و بزرگداشت یهود و صهیونیسم تحت پوشش این نام نیز در واقع طرحی بود که از طرف مراکز یهودی صهیونیست به دولت جمهوری آذربایجان ارائه و در سال 2016 اجرا و در چارچوب آن، به تمامی دنیا اعلام شد که مظهر و نمود اصلی «چندفرهنگ‌گرایی» جمهوری آذربایجان توجه و عنایتی است که دولت جمهوری آذربایجان به یهودی‌های صهیونیست و فرقه‌های مرتبط با آن دارد. در واقع، در پایان سال 2016 و در ماه دسامبر، نخست وزیر رژیم صهیونیستی قصد دارد جشن برداشت محصول از این برنامه یک ساله صهیونیستی در جمهوری آذربایجان را برگزار کند. بخصوص در اواخر ماه دسامبر، همه ساله برنامه‌های ویژه و مشترک سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی متولی سیاست «آذربایجان‌گرایی» جمهوری آذربایجان و بخصوص کمیته دولتی امور دیاسپورا و زیرشاخه‌هایش با الگوگیری از دیاسپورای یهود و بویژه «دیاسپورای آذربایجانی» در شهر صهیونیست نشین عکا (که مرکز بهائیت نیز است)، جمهوری آذربایجان، آمریکا و کشورهای اروپایی و روسیه و برخی کشورهای عربی برگزار می‌شود که به نوعی در راستای سیاست «چندفرهنگ‌گرایی» القاء شده از طرف مراکز فکری غربی و صهیونیستی قرار دارد.

- اهداف سیاسی استراتژیک؛ خوشه چینی استراتژی اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان: رژیم صهیونیستی که استراتژی اتحاد پیرامونی را برای جبران محاصره این رژیم نامشروع توسط کشورهای مسلمان که مردمان آن‌ها وجود نامشروع اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند، طی سالیان طولانی پیگیری می‌کند و نفوذ در کشورهای خارج از منطقه غرب آسیا (منطقه موسوم به خاورمیانه) را هدف گذاری کرده، از زمان فروپاشی شوروی، جایگاه ویژه‌ای به جمهوری آذربایجان در پیگیری استراتژی اتحاد پیرامونی اسرائیل قائل شده است. از سال 1992 که رژیم صهیونیستی در باکو سفارتخانه نامشروع خود را دایر کرد، شرایط بسیار دشواری را به لحاظ عدم پذیرش از سوی بدنه جامعه و نگرانی‌های روانی و امنیتی ناشی از آن در جمهوری آذربایجان سپری کرده است. سفارتخانه رژیم صهیونیستی در باکو به دلیل همین نگرانی‌های روانی و امنیتی، پس از چند سال فعالیت، به طبقه سوم هتل «هیات پارک» (Park Hyatt) که از نظر حفاظتی و امنیتی در شرایط ویژه قرار دارد، منتقل شد. این لانه جاسوسی رژیم صهیونیستی در باکو برغم اینکه به اصطلاح «گنبد آهنین» بر سر خود کشید و عوامل موساد بطور دائم منطقه را تحت نظر گرفتند، اما دائم در خوف و هراس فعالیت کرده و نمی‌توانست در فتنه و فسادهایش در جمهوری آذربایجان، احساس راحتی و آرامش کند. این عدم راحتی و آسایش در سفرهای مقامات صهیونیست به باکو نیز موجود بود. حتی بنیامین نتانیاهو که در سال 1997 نیز در مقام نخست وزیری این رژیم قرار داشت و به عنوان نخستین نخست وزیر این رژیم به باکو سفر کرد، این سفر را دزدانه و شبانه در شرایطی کاملاً غیرعادی انجام داد و در حالی که پاسی از شب گذشته بود با حیدرعلی اف، رییس جمهوری پیشین دیدار و به سرعت باکو را ترک کرد. اما، اکنون پس از گذشت 24 سال از آغاز روابط دیپلماتیک رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان، نخست وزیر رژیم صهیونیستی قصد دارد بطور آشکار و با تبلیغات گسترده و با مطراق به باکو سفر کند و با جسارت، ابعاد جدیدی از این رابطه نامشروع را علنی کند. از این رو، می‌توان گفت که سفر نتانیاهو به باکو در برهه کنونی، خوشه چینی از استراتژی پیرامونی را در جمهوری آذربایجان در منطقه حساس و مهم قفقاز و خزر و در همسایگی جمهوری اسلامی ایران را نیز هدف گذاری کرده است.

- اهداف نظامی امنیتی؛ تثبیت جایگاه رژیم صهیونیستی به عنوان دومین بازیگر نظامی در قفقاز جنوبی: رژیم صهیونیستی در دو دهه و نیم گذشته تلاش مستمر و جدی و نظامی مندی را برای نفوذ در ساختار نظامی و نظام امنیتی قفقاز جنوبی داشته است که یک بخش مهم از راهبرد رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان اجرا شده است. گرچه این سیاست از همان ابتدای اعلام استقلال جمهوری آذربایجان و سایر جمهوری‌های قفقاز جنوبی، آغاز شد، اما در جمهوری آذربایجان پس از مرگ حیدرعلی اف و نشست‌های مهم علی اف بجای وی بر کرسی ریاست جمهوری آذربایجان، فرصتی طلایی تر در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گرفت. در این دوره، طراحان و مجریان سیاست‌های رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از جمله آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ کنونی رژیم صهیونیستی که همواره در نهاد‌های مهم متولی تدوین و اجرای راهبردهای این رژیم در رأس کار بوده است و نیز صهیونیست‌هایی نظیر «افراییم سنه» که در ساختار نظامی این رژیم جایگاه‌های مهمی داشته‌اند، سیاست نفوذ سرطانی در ساختارهای نظامی امنیتی جمهوری آذربایجان را پیش برده‌اند. به این ترتیب که هم اکنون وزارت دفاع و وزارت صنایع دفاعی و سرویس امنیت دولتی و سرویس اطلاعات خارجی جمهوری آذربایجان به عنوان شرکای مهم ساختارهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قفقاز عمل می‌کنند و به عنوان مثال، حجم معاملات تسلیحاتی باکو با رژیم صهیونیستی از سال 2007 تاکنون، از مرز شش میلیارد دلار فراتر رفته است، رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان کارخانه تولید «پهپاد» خود را دایر کرده است، در درگیری‌های اخیر در اطراف قره باغ، تسلیحات اسرائیلی بیشترین کاربرد را دارند، موساد تدابیر امنیتی برنامه‌ها و نشست‌های بین‌المللی باکو از جمله «بازی‌های اروپایی 2015»، مسابقه یوروویژن 2012 و نشست‌های مجمع جهانی باکو و ... را در اختیار داشته است. در شرایط کنونی، نشانه‌هایی از احتمال تغییرات در ساختار امنیتی قفقاز بدون حضور ایران و بروز تحولات منطقه‌ای در ارتباط با مناقشه قره باغ در قلب این منطقه، بروز کرده است و بی تردید نخست وزیر رژیم صهیونیستی در سفر به باکو این را نیز هدف گذاری کرده است که جایگاه این رژیم به عنوان دومین عامل مهم در مسایل امنیتی قفقاز جنوبی پس از روسیه را تثبیت کند.

- اهداف اقتصادی انرژی؛ تضمین جایگاه رژیم صهیونیستی به عنوان خریدار انحصاری نفت جمهوری آذربایجان و ورود به شاهراه انتقال گاز این جمهوری به اروپا: رژیم صهیونیستی طی دو دهه گذشته توانسته است به عنوان خریدار تقریباً کل یک بخش اعظم نفت خام صادراتی جمهوری آذربایجان، خود را به عنوان شریک تقریباً انحصاری باکو در

بازار نفت تحمیل کند و شریان حیاتی اقتصاد جمهوری آذربایجان را در اختیار خود بگیرد. بگونه ای که شرکت «بی پی» انگلیس به عنوان تولید کننده نفت خام و امتیازدار اصلی حوزه های نفتی جمهوری آذربایجان و همچنین در رأس شرکت های سهامدار خط لوله باکو تفلیس جیحان، شریان حیاتی جمهوری آذربایجان را به اسرائیل متصل کرده است. هم اکنون با پیشبرد طرح ساخت و بهره برداری از خطوط لوله گازی موسوم به «تاناپ» و «تاپ» یا جریان گازی جنوبی که قرار است گاز منطقه خزر و بخصوص جمهوری آذربایجان را به ترکیه و از آنجا به اروپا برساند، رژیم صهیونیستی نیز با اعلام تمایل به انتقال گاز خود از این خط لوله، نفوذ در این شریان انرژی جمهوری آذربایجان را نیز هدف گذاری کرده است. تردیدی نیست که نتایج در سفر به باکو با بهره گیری ماهرانه از ولعی که باکو برای مهم و جهانی جلوه دادن طرح گازی «تاناپ» دارد، تلاش خواهد کرد شرایط تحکیم نفوذ رژیم صهیونیستی در این طرح را نیز فراهم کند.

- اهداف منطقه ای و جهانی؛ بهره برداری از تأثیرات «برجام» (توافق هسته ای ایران با دولت های پنج بعلاوه یک) بر منطقه قفقاز: هیچ تردیدی نیست که «برجام» بر مناسبات ایران با کشورهای منطقه همجوار قفقاز تأثیرات مهمی داشته است. دولت جمهوری آذربایجان تحت تأثیر «برجام»، سیاست نزدیکی به ایران را در پیش گرفته است و دستکم در عرصه سیاسی و تبلیغاتی، بر این نزدیکی پافشاری می کند. در این معادله تناقض آلود، دولت جمهوری آذربایجان همچنین تأکید دارد که مهمترین و نزدیک ترین شریک رژیم صهیونیستی در منطقه است. به این معنا که باکو از یک سو با یک طرف اصلی «برجام»، یعنی دولت ایران «سیاست نزدیکی» را دنبال می کند و از سوی دیگر، بر نزدیکی با دشمن اصلی «برجام»، یعنی رژیم صهیونیستی اصرار دارد!! در این میان، رژیم صهیونیستی نیز که همواره با مشکل مشروعیت و انزوای روانی دستکم در منطقه غرب آسیا دست به گریبان بوده است، همواره در ظاهر از ایفای نقش جمهوری آذربایجان به عنوان محل به اصطلاح همزیستی این رژیم با ایران استقبال کرده است. البته، نباید از نظر دور داشت که رژیم صهیونیستی در واقع و در خفا، از جمهوری آذربایجان به عنوان سکویی برای اقدامات ضدامنیتی علیه ایران استفاده می کند که بهره گیری از این جمهوری به عنوان مسیر ترانزیت و تربیت تروریست های حمله کننده به دانشمندان هسته ای ایران، به پرواز درآوردن پهپاد جاسوسی که در نزدیکی تأسیسات هسته ای نطنز هدف قرار گرفت و بهره گیری از گروهک های قوم گرا و تجزیه طلب ضدایرانی فعال در جمهوری آذربایجان، از نمونه های آشکار این نوع استفاده رژیم صهیونیستی از جمهوری آذربایجان بوده اند و تردیدی نیست که این نوع بهره گیری رژیم صهیونیستی از جمهوری آذربایجان علیه ایران کماکان ادامه خواهد داشت. اما، در دوره پسابرجام، رژیم صهیونیستی بطور تناقض آلودی سعی دارد، به موازات استفاده از جمهوری آذربایجان به عنوان سکوی اقدامات ضدامنیتی علیه ایران، به منظور فرسایش و نابودسازی نفوذ معنوی ایران در جمهوری آذربایجان و کاشتن تخم بدبینی به ایران در اذهان اقشار ضدصهیونیست، تظاهر به همزیستی سیاسی اسرائیل و ایران در این جمهوری نیز بکند. بخصوص که برخی از متولیان امور روابط با جمهوری آذربایجان در ایران نیز در سال های اخیر این را القاء کرده اند که هرچه حضور ایران در جمهوری آذربایجان بیشتر شود و روابط گرم تری با دولت باکو برقرار شود، جای رژیم صهیونیستی در این جمهوری تنگ تر خواهد شد. اما، در عمل آنچه مشاهده شده، این است که هرچه باکو مناسبات گرم تری با تهران برقرار کرده، لاقیدی به مناسبات باکو با رژیم صهیونیستی بیشتر شده و شرایط بهتری برای افزایش نفوذ این رژیم در جمهوری آذربایجان بیشتر شده است.

نکته و نتیجه گیری:

حاکم شدن ماشاات و تساهل بر رفتار سیاسی دستگاه دیپلماسی ایران طی سال های اخیر، سوء استفاده رژیم صهیونیستی و عوامل محلی آن از این وضعیت را در جمهوری آذربایجان نیز در پی داشته است. رسانه های باکو طی ماه های اخیر در شرایطی در تبلیغات سفر نتانیاهو به جمهوری آذربایجان و طرح «مانور سیاسی اسرائیل در باکو» ایفای سهم و نقش کرده اند که در همین برهه، مقامات دولتی و بخصوص نمایندگان مجلس و رسانه های باکو، مداخلات آشکاری در امور و برنامه های دیپلماسی قفقازی ایران کرده اند و حتی در برنامه های سفر مقامات سیاسی ایران به باکو و ایروان نیز مداخله کرده و «رهنمود» ارایه داده و تهدید و انذار کرده اند. به عنوان مثال، رسانه های باکو در ماه های گذشته اقدام به خبرسازی و شایعه پراکنی در خصوص برنامه سفر رییس جمهوری اسلامی ایران به ایروان کردند و با این زمینه سازی، نمایندگان مجلس جمهوری آذربایجان و موسسات و مراکز فکری تبلیغاتی رسانه ای باکو نیز ایران را تهدید کردند که اگر رییس جمهوری اسلامی ایران به ارمنستان سفر و ایران با این کشور لغو روابط کند، مناسبات ایران با دولت جمهوری آذربایجان لطمه خواهد خورد. همچنین در همین برهه، خبرهایی درباره تعویق یا تعلیق برنامه های سفر وزیر امور خارجه ایران به ایروان و باکو در رسانه ها منتشر شده است که یا از تسامح حرفه ای یا از تساهل سیاسی نشأت گرفته اند. همچنین باید توجه داشت که در سال های گذشته، مقامات رژیم صهیونیستی در برهه های مختلف، گاه در سفرهای خود به باکو و گاه در واکنش به سفرهای روسای جمهوری ایران به جمهوری آذربایجان، این جسارت را به خود داده اند که آشکارا به باکو در مورد محدوده مناسباتش با تهران هشدار دهند یا هشدارها و تهدیدات خود را به شکل نصیحت به باکو مطرح کنند. بعضا مداخلات مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی در سطح مناسبات باکو با تهران، در نشست ها و مذاکرات محرمانه با شخص الهام علی اف، رییس جمهوری آذربایجان صورت پذیرفته است که برخی از آنها از طریق ویکی لیکس نیز فاش شده اند. حال، با توجه به تمامی این ملاحظات و نیز هدف گذاری های خطرناک رژیم جنایت پیشه صهیونیستی، سکوت و بی اعتنائی در مقابل سفر عالی ترین مقام رژیم صهیونیستی به

باکو چه معنایی می تواند داشته باشد؟

منبع: جوان آنلاین